

پیامدهای فقدان پیوست فرهنگی در یک طرح ملی (عسلویه)

منبع: طرح ساماندهی توسعه متوازن و همزیستاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه عسلویه.

اجرای طرح‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی بدون وجود یک طرح توجیه فرهنگی عواقب و پیامدهای مخرب فرهنگی برای کشور به دنبال داشته است. اجرای پروژه عظیم عسلویه شاهد مثال بسیار روشنی در این خصوص می‌باشد.

محدودیت‌های فنی - اجرایی و سرمایه‌ای یعنی نبود فن‌آوری مقرون به صرفه برای امکان انتقال گاز به فاصله‌ای بیش از ۱۰۰ کیلومتر و همچنین کمبود منابع سرمایه‌ای برای پخش و گسترش سازه‌های مورد نیاز در پهنه‌ای وسیعتر موجب انتخاب منطقه عسلویه برای شروع فعالیت‌ها شد. بنابراین توجیه اقتصادی تمرکز واحدهای گازی و پتروشیمی در منطقه‌ای کوچک سبب شد تا حجم گسترده‌ای از عملیات ساخت و ساز در منطقه عسلویه از سال‌های ۱۳۷۶ به این سو به سرعت آغاز شود. البته اینک محدودیت‌های فنی و سرمایه‌ای اشاره شده چندان مطرح نیست، اما سرعت انجام طرح‌ها و حجم عملیات اجرایی فازهای گازی و پالایشگاهی دست-اندرکاران و برنامه‌ریزان را در عملی انجام شده روبرو کرده است. حجم عملیات و سرمایه‌های هزینه شده در این طرح بزرگ اقتصادی - صنعتی (بزرگترین پروژه اقتصادی - صنعتی در تاریخ کشور) چنان بوده است که به نظر می‌رسد اکنون ابعاد خود پروژه، اندازه‌ها، محدوده و الزامهای توسعه‌ای خاص خود را دیکته می‌کند.

با گذشت چند سال از آغاز عملیات اجرایی طرح بهره‌برداری از میدان گازی پارس جنوبی، به تدریج مشکلاتی در منطقه بروز کرد که هشداردهنده بود. مسؤلان و دست‌اندرکاران طرح توسعه منطقه دریافتند که گسترش و پیشرفت فیزیکی طرح به تنهایی نمی‌تواند در درازمدت حتی پاسخگوی نیازها و الزام‌های اقتصادی توسعه باشد. بنابراین پرداختن به مسایل و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی توسعه شتابان، جزء دغدغه‌های مسؤلان توسعه منطقه شد.

با گذشت چند سال از آغاز عملیات اجرایی طرح بهره‌برداری از میدان گازی پارس جنوبی، به تدریج مشکلاتی در منطقه بروز کرد که هشداردهنده بود. مسؤلان و دست‌اندرکاران طرح توسعه منطقه

دریافتند که گسترش و پیشرفت فیزیکی طرح به تنهایی نمی‌تواند در درازمدت حتی پاسخگوی نیازها و الزامهای اقتصادی توسعه باشد. بنابراین پرداختن به مسایل و پیامدهای اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی توسعه شتابان، جزء دغدغه‌های مسئولان توسعه منطقه شد. بدیهی است در فرایند اجرای عملیات توسعه و با اولویتهایی چون: سرعت بالا، هزینه‌های اقتصادی طرح و رفع مشکلات فنی و اجرایی، فرصتی برای پرداختن به مسایل و پیامدهای جانبی طرح باقی نمی‌گذارد.

با پیشرفت نسبی طرح توسعه در این منطقه و بروز پاره‌ای نابسامانی‌ها، ضرورت بررسی پیامدهای توسعه و برقراری و ماندگاری آن بسیار مبرم و اساسی شده است.

«توسعه پایدار» و «توسعه متوازن» از واژگان آشنا در مقوله توسعه بشمار می‌روند. گوهر نهفته در این رویکرد، در واقع پیوند زدن مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و فضایی (آمایشی) با توسعه فیزیکی، کالبدی و صنعتی است.

■ بررسی تغییرات فرهنگی

با توجه به آمیختگی مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی و بنابر این تغییرات فرهنگی و اجتماعی، بسیاری از تغییراتی که می‌توان آن‌ها را تغییرات فرهنگی نامید، در بخش تغییرات اجتماعی بررسی شده‌اند. اما به طور ویژه‌ی برخی از تغییرات فرهنگی بارز منطقه که پیامدهای طرح توسعه منطقه ویژه بشمار می‌روند، در این بخش تشریح می‌شوند.

باید افزود، به علت وسعت دامنه رویکردهایی که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان باورها، ارزش‌ها، رفتارها و... گنجانند. معیار اصلی را نظر سنجی از اهالی جامعه محلی تشکیل می‌دهد. منابع عمده در این زمینه عملیات میدانی، گروه پژوهشی و مطالعات انجام شده است.

■ یافته‌های عمده در این بخش عبارتند از:

مقایسه دو تصویر برداشت شده از منطقه مورد مطالعه (یکی از آغاز طرحهای توسعه یعنی حدود سال ۱۳۷۵ و دیگری در سال ۱۳۸۴) بخوبی نشان می‌دهد که در تصویر نخست، جامعه‌ای با اقتصاد معیشتی و سنتی، با تحرک اجتماعی بسیار محدود، تقریباً بسته (بویژه بر روی بیگانه)، حامل ارزشها و رفتارهای سنتی و دیر پا (مانند: مناسبات اجتماعی، پوشاک و...) و مانند آن دیده می‌شود. در تصویر دومی، به یکباره تکاپو و جنب و جوشی در همان مکان‌ها و جامعه‌ها مشاهده می‌شود: نخستین و آشکارترین جلوه‌های دگرگون شده را در سیما و بافت کالبدی سکونتگاه‌ها (که اینک شهر شده‌اند) می‌توان دید؛ ساختمان-

های چند طبقه‌ای که به سرعت از درون بافت قدیمی‌یا در کنار آن سر بر آورده‌اند؛ پاساژهای بر رونقی که جای مغازه‌ها تک افتاده را گرفته‌اند؛ شغل‌ها و پیشه‌هایی که تا پیش از این در جامعه وجود نداشته است (بویژه شغل‌های خدماتی)؛ افراد جدیدی که با وضع ظاهری و حتی گویش‌هایی



جدا از تغییرات قابل

مشاهده در ظاهر بافت

سکونتی و افراد، با

ژرفانگری در درون جامعه

محلّی دگرگونی‌های حتی

ژرفتری را می‌توان دید.

متفاوتی در جامعه دیده می‌شوند؛ پوشاک و وضع ظاهری مردم محلّی هم تغییر کرده است؛ و بسیاری تغییرات دیگر.

جدا از تغییرات قابل مشاهده در ظاهر بافت سکونتی و افراد، با ژرفانگری در درون جامعه محلّی دگرگونی‌های حتی ژرفتری را می‌توان دید. برخی از تغییرات پدید آمده در جامعه محلّی منطقه مورد مطالعه را



باید در همسویی قابل انتظار جامعه محلّی و جامعه ملی در تاثیر پذیری از پدیده‌های دهه اخیر جستجو کرد؛ مانند: استفاده از اینترنت، تلویزیون‌های ماهواره‌ای، افزایش سفرهای خارجی و....

بدیهی است، تاثیر پذیری از پدیده‌های یاد شده در جامعه محلّی منطقه هم‌تراز جامعه‌ای مشابه و به دور از تحولات رشد شتابان صنعتی نیست. به عبارت دیگر توسعه شتابان در منطقه، همانند موتور محرک جامعه محلّی و در استفاده از پدیده‌های جدید عمل کرده است. اما طرح‌های توسعه منطقه ویژه نیز به صورت متغیری اساسی سبب دگرگونی‌های ژرفی شده‌اند که در اینجا تحت عنوان دگرگونی‌های فرهنگی عمده تشریح می‌شوند:

➤ تغییر رویکرد و نگاه اقتصادی

چنانکه اشاره شد، جامعه محلّی قبل از شروع طرح‌ها تقریباً جامعه‌ای خود بسنده و با اقتصاد معیشتی بشمار می‌رفت. رویکرد مردم، به استفاده محدود از دریا به صورت ماهیگیری و تجارت محدود بود. کشاورزی و دامداری نیز در حد رفع نیازهای محلّی رواج داشت. اینک، مردم محلّی بویژه جوانان و قشرهای مرفه تر جامعه دست اندرکار توسعه فعالیت‌های اقتصادی شده‌اند و با مشارکت مهاجران جدید (به‌ویژه مهاجرانی که از کانون‌های جمعیتی نزدیک منطقه آمده‌اند)، کوشش می‌کنند سهمی از درآمدهای تزریق شده به منطقه را بدست آورند. از همه مهم‌تر، سطح انتظارات مردم از فایده اقتصادی طرح، افزایش بسیاری یافته است.

➤ تغییر نگرش به زندگی و امکانات خدماتی و رفاهی

جدا از تأثیر منفی طرح در برخی رشته‌های فعالیت سنتی در منطقه، مانند: ماهیگیری، تجارت دریایی، کشاورزی و دامداری و کاهش اشتغال در آن‌ها، میانگین درآمد مردم محلی طی این مدت افزایش یافته است (هر چند با توزیع نابرابر و شکاف فزاینده درآمدی). همچنین عرضه پاره‌ای خدمات رفاهی و اجتماعی در منطقه فزونتر شده است، مانند: شبکه‌های درمانی و آموزشی و....

به رغم آگاهی نسبی از تأثیرات مثبت طرح، مردم محلی از موقعیت خود در منطقه و برخورداری از امکانات خدماتی و رفاهی ناراضی بوده‌اند. به عبارت دیگر بین

انتظارات مردم از طرح (عامل ذهنی) و سطح برخورداری از خدمات

(عامل عینی) فاصله‌ای بوجود آمده است که نشان دهنده تغییر نگرش مردم به وضع زندگی است.

➤ دگرگونی در ارزش‌ها و باورها

یافته‌های میدانی گروه پژوهشی و سایر مطالعات نشان می‌دهد که در لایه‌های درونی تر زندگی مردم محلی، دگرگونی‌های ژرفی روی داده است و پیش بینی می‌شود که روز بروز بر دامنه و ژرفای آن نیز افزوده شود. رفت و آمد بیش از ۴۰ هزار نیروی کار متعلق به خرده فرهنگ‌های مختلف با ترکیب سنی و تحصیلی متفاوت به

منطقه (هر چند بخش عمده‌ای از زمان کار و وقت فراغت‌شان در

خارج از محدوده‌های مسکونی جامعه محلی می‌گذرد)، خواه ناخواه تأثیر شگرفی بر جامعه سنتی و بسته محلی گذارده و خواهد گذاشت.

● ● ●
**با جذب در شغل‌های جدید
منطقه، نخست فرهنگ
ورفتارهای اجتماعی جامعه
میهمان را که از قضاء انبوه‌تر
از جامعه میزبان است
دریافت کرده و سپس حامل
آن در جامعه خودی شده‌اند.**

● ● ●

● ● ●

بازتاب این دگرگونی را می‌توان در تغییر پوشاک پسران جوان و تغییر هر چند کند پوشش سنتی زنان جوان، استقبال از تحصیل دختران در مقاطع تحصیلی متوسطه و دانشگاهی (حتی در خارج از منطقه)، افزایش سن ازدواج، استفاده از وسایل ضد بارداری و کاهش نرخ باروری، گسترش خانوارهای هسته‌ای به زیان خانوارهای گسترده، کاهش تعدد زوجات، و مانند آن جستجو کرد.

● ● ●

➤ دگرگونی در گروه‌های سنی جوان

جوانان (به‌ویژه آن‌هایی که کم و بیش تحصیلاتی دارند)، با جذب در شغل‌های جدید منطقه، نخست فرهنگ و رفتارهای اجتماعی جامعه میهمان را که از قضا انبوه‌تر از جامعه میزبان است دریافت کرده و سپس حامل آن در جامعه خودی شده‌اند. حتی جوانانی که در شغل‌های سنتی مشغول‌اند یا بیکاراند، اینک هماوایی کمتری با نسل‌های پیشین دارند. اشتغال دختران و زنان محلی در شغل‌های جدید که تا پیش از این پدیده‌ای نادر بود، به تدریج فزونی می‌یابد.

➤ دگرگونی در شیوه و نوع پوشاک زنان

با آغاز اجرای طرح‌های توسعه در منطقه، در شیوه و نوع پوشاک زنان تغییرات چشمگیری مشاهده شده است. در همین مدت استقبال مردم از برنامه‌های تنظیم خانواده رو به گسترش بوده است. در نتیجه چنین رویکردهایی بویژه تقویت نهاد خانواده هسته‌ای، جایگاه زنان بویژه زنان جوان در منطقه دگرگون شده است. تحلیل آماری پرسشنامه‌های گروه مطالعاتی یاد شده بر آن است که نسبت سازگاری زنان منطقه با طرح‌های توسعه منطقه ویژه در قیاس با مردان بیشتر است. با رونق فعالیت‌های منطقه‌ی ویژه، امکانات آموزشی برای جوانان بویژه دختران جوان افزایش یافته و از این طریق نگرش نسل جدید زنان جامعه محلی به طور کلی دگرگون شده است.

بازتاب این دگرگونی را می‌توان در تغییر پوشاک پسران جوان و تغییر هر چند کند پوشش سنتی زنان جوان، استقبال از تحصیل دختران در مقاطع تحصیلی متوسطه و دانشگاهی (حتی در خارج از منطقه)، افزایش سن ازدواج، استفاده از وسایل ضد بارداری و کاهش نرخ باروری، گسترش خانوارهای هسته‌ای به زیان خانوارهای گسترده، کاهش تعدد زوجات، و مانند آن جستجو کرد. مجموع این رفتارهای جدید که به میانگین‌ها و هنجارهای ملی نزدیک می‌شود نشانه‌ای از تغییرات ژرف‌تر در نگرش خانوارهای منطقه است. بی‌جهت نیست که زنان جامعه محلی در قیاس با مردان، نسبت به تحولات پیشاوری منطقه‌ی ویژه با دیده خوشبینانه‌تری می‌نگرند. پیداست تاثیر مثبت این پدیده یعنی استقبال زنان جامعه محلی از طرح‌های توسعه منطقه‌ی ویژه در نگرش مردم و بهبود تعامل آنان با منطقه ویژه در آینده آشکارتر می‌شود.

■ عمده‌ترین آسیب‌های اجتماعی در منطقه

محدوده‌ی مورد مطالعه به عنوان بخشی از سرزمین ایران و پیش از عملیات توسعه نیز دست‌خوش برخی آسیب‌های اجتماعی شناخته شده بوده است، اما پس از آغاز عملیات طرح‌های توسعه در منطقه، آسیب‌های اجتماعی چه از حیث کیفی و چه کمی تغییرات چشمگیری کرده است. بر اساس مطالعات میدانی انجام گرفته توسط گروه کارشناسی طرح پژوهشی عمده‌ترین یافته‌ها در این زمینه به قرار زیر است.

➤ اعتیاد به مواد مخدر

پیش از عملیات توسعه مصرف مواد مخدر (تریاک) نزد برخی از افراد محلی رواج داشته است. سن بیشتر معتادان در آن دوره بیش از ۴۰ سال بوده است. هم‌اکنون در جامعه محلی سن اعتیاد به شدت پایین آمده، چنانکه مشاهده جوانان معتاد محلی در شهرهای عسلویه و نخل تقی پدیده‌ای آشناست. به گفته اهالی، مصرف مخدر قوی مانند هرویین و مرفین نیز رواج یافته است. در جامعه کارگران مهاجر نیز مصرف مواد مخدر رواج دارد و اقدام‌های بازدارنده در کمپ‌های کارگری مانند: اخراج، تهدید به اخراج و... نیز نتوانسته مانع جدی در گسترش مصرف و اعتیاد ایجاد سامانند کند.

اقدام‌های بازدارنده در خانه‌های موقت و گروهی کارگران شرکت‌های پیمانکاری کوچک
وساختمانی صورت نمی‌گیرد.

مجراهای عمده ورود مواد مخدر به منطقه، برخی از کارگران بویژه از استانهای سیستان
و بلوچستان و کرمان و... هستند که در زمان بازگشت از مرخصی ماهانه مواد با خود می‌آوردند.
افزون بر این، قاچاقچیان خرده پا نیز منطقه را برای توزیع مواد بازار مناسبی یافته‌اند و روز
بروز بر شمار این دسته از قاچاقچیان افزوده می‌شود. مسیرهای ورود قاچاق مواد مخدر از سمت-
های شرقی و شمالی توسط پاسگاه‌های نیروی انتظامی کنترل می‌شود. اما چندان کار ساز نبوده
است.

از عوامل عمده گسترش اعتیاد در جامعه محلی باید به تغییر ارزشهای اجتماعی و فرهنگی
جامعه، بیکاری جوانان، در آمد بالا برای برخی گروههای اجتماعی، احساس یاس و سرخوردگی
و... اشاره کرد. اما در جامعه کارگری عوامل عمده اعتیاد عبارتند: در آمد بالا و ناگهانی برای
کارگران جوان و مجرد، دوری از خانواده، نبود امکانات تفریحی و گذران اوقات فراغت (بویژه
برای کارگران پیمانکاران کوچک ساکن در خانه‌های گروهی)، فقدان مانع اجتماعی و فرهنگی
در مصرف مواد مخدر بویژه برای برخی از جامعه‌های کشور و انتقال آن به سایر همکاران جوان
و کم تجربه، شرایط سخت محیط کار در منطقه بویژه در فصلهای گرما و....

➤ سرقت

جامعه محلی پیش از ایجاد منطقه ویژه، کمتر با پدیده‌ای به نام دزدی روبرو بود. ورود شمار
زیاد کارگرانی که در جستجوی کار به منطقه می‌آیند که بخشی از آنها نیز موفق به یافتن آن
نمی‌شوند، همچنین معضل افزایش معتادان به مواد مخدر چه در جامعه محلی و چه در جامعه
کارگری و نیاز آنان به تأمین هزینه مواد، موجب شده است تا موردهای فزآینده دزدی در منطقه
روی دهد. دزدی هم در سکونتگاه‌های شهری و روستایی منطقه و هم در کمپهای کارگری دیده
می‌شود. افزون بر موردهایی از دزدی که در کمپهای کارگری و در سطح واحد انتظامات کمپ یا
نیروی انتظامی حل می‌شود، شمار فزآینده‌ای از آن نیز به دادگاه‌های مربوط در شهرستان کنگان
کشیده می‌شود.

➤ تجاوز و انحرافات جنسی

از ویژگی‌های آشکار جامعه محلی، حساسیت در برابر طرح مسایل جنسی است. به رغم پاره-ای داده‌های کلی درباره بروز مواردی تجاوز جنسی، واکنش جامعه محلی در برابر پرسشها سکوت یا انکار بوده است. اما برخی شواهد نشان دهنده مواردی از این دست بوده است (البته تعداد آن چندان نبوده است).

کمپهای کارگری و خانه‌های گروهی به دلایلی چون: جوانی بیشتر اعضاء، نبود امکانات تفریحی، دوری از خانواده به مدت طولانی (۳ هفته و بیشتر)، محیط طاقت فرسای کاری، تجمع طیف‌های گسترده‌ای از افراد در گروه‌های سنی و قومی و فرهنگی مختلف، شرایط فرهنگی و ارزشهای رفتاری عمومی در کشور و... دارای زمینه‌های مستعد برای بروز برخی از رفتارهای ناهنجار جنسی‌اند (شواهد موجود در این زمینه به علت ناهماهنگی و تضاد قابل بررسی نیستند). اما زمینه‌های مستعد بروز اینگونه رفتارها را نمی‌توان انکار کرد.

➤ پرخاشگری

تعداد بیشتری از رفتارهای رایج در منطقه مطالعاتی زیر این عنوان قابل طرح است، مانند: درگیریهای زبانی و فیزیکی، خودزنی و خودکشی. جامعه مطالعاتی یعنی کانون‌های شهری و روستایی منطقه و سکونت‌گاههای کارکنان، سرشار از دوگانگی‌های آشکار و نهفته‌اند که به طور عمده شامل:

- ✓ دوگانگی و چندگانگی قومی- فرهنگی (هم از حیث عمومی‌مانند سطح سواد و هم اختصاصی مانند جامه‌پذیری) در گروه‌های مختلف کارگری ساکن در خانه‌های گروهی و کمپها؛
- ✓ دوگانگی اجتماعی و اقتصادی بین جامعه محلی و جامعه جدید در حال تکوین؛
- ✓ دوگانگی فزاینده اقتصادی بین اعضای جامعه محلی (بویژه با استفاده از رانت زمین)؛
- ✓ دوگانگی اجتماعی در نظام سلسله مراتبی شرکت‌های پیمانکاری داخلی و خارجی؛
- ✓ اختلاف‌های کارگری - کارفرما؛

✓ اختلاف بین ساکنان و مالکان زمین با مقامها و واحدهای منطقه ویژه

همه اختلافها و دوگانگیهای برشمرده، سرچشمه درگیریهای زبانی و فیزیکی متعددی هستند که برخی از آنها در دادگاههای شهرستان کنگان و برخی دیگر در سطح نیروی انتظامی منطقه ویژه و یا از راه کدخدامنشی مطرح و حل و فصل میشوند. دادههایی نیز درباره مواردی چون خودزنی کارفرمایان در دعوای مطرح شده کارگری کارفرمایی در دادگاه شهرستان کنگان با هدف خودداری از پرداخت حقوق درخواستی کارگران و همچنین خودکشی موفق و ناموفق هم در بین جامعه کارگری و هم در جامعه محلی (بیویژه زنان) وجود دارد که میباید در مرحله بعدی این مطالعات با مقایسه با جامعههای دیگر و تحلیل فرایند آنها مورد کنگاش قرار گیرد.

جمع بندی و نتیجه گیری

مهمترین ویژگی تحولات اجتماعی و فرهنگی منطقه، گستره وسیع و آهنگ شدید تغییرات اجتماعی است که به موازات توسعه شتابان صنعتی قابل مشاهده است. این تغییرات بر چگونگی رفتارها و ارزشهای جامعه محلی، جمعیت شاغل و به تبع آن خانوادههای کارکنان شاغل تأثیرات چند سویه خواهد داشت. برآیند نهایی کنش و واکنشهای چند سویه اجتماعی - فرهنگی می تواند به خلق جامعه ای نوین و با فرهنگ خود ویژه منجر گردد (نمونه شکل گیری فرهنگ خود ویژه آبادان و فولادشهر)

بررسی ها نشان می دهد، جامعه نوین منطقه ویژه انرژی پارس در مراحل آغازین تکوین و پرورش می باشد، شکل گیری نهایی جامعه نوین در این منطقه بدون هدایت راهبردی طرح توسعه اجتماعی، فرهنگی، نه تنها معضلات ناشی از توسعه شتابان صنعتی را تشدید خواهد کرد، بلکه مانع شکل گیری موزون جامعه نوین صنعتی با فرهنگ خود ویژه عسلویه خواهد شد. به ویژه آنکه عسلویه به عنوان دروازه تمدن صنعتی در دوران جمهوری اسلامی تلقی می شود و در مقایسه با شکل گیری آبادان توسط شرکت نفت انگلیس انتظار می رود که جامعه نوین عسلویه با هویت موزون شکل گیرد.

توسعه شتابان در منطقه ویژه همانند موتور محرک جامعه محلی، با تغییرات سریع و دگرگونی در نظام اقتصادی و فرهنگی، منطقه پدیده‌های جدیدی را به وجود آورده است. پیدایش پدیده‌های جدید لزوماً به معنای بار منفی نیست، چنانکه رواج برخی پدیده‌های جدید در منطقه کاملاً مثبت است.

دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی مثبت در منطقه و تقویت آنها می‌تواند در شکل‌گیری فرهنگ خود ویژه عسلویه نقش مهمی داشته باشد. در مقابل برای رویارویی با پدیده‌های دارای بار منفی باید در سطح خرد و کلان برنامه‌ریزی شود به نحوی که از تبدیل پدیده‌های جدید به آسیب‌های اجتماعی و بحرانهای احتمالی پیش‌گیری شود»^۱

پیامدهای فقدان پیوست فرهنگی در ساخت شهرک‌های سازمانی

«به رغم صرف هزینه‌های فراوان و چاره‌اندیشی‌های مختلف برای بهبود شرایط کار و اقامت کارکنان صنایع پتروشیمی و خانواده‌هایشان (که به پاره‌ای از مهمترین آنها اشاره شد)، بسیاری از مشکلات در این منطقه همچنان باقی مانده است. چه بسا در حوزه نظری و پس از بررسی‌های کارشناسی، راهکارها و پیشنهادهای ارائه شده به مدیریت صنعت و منطقه اجرا شده است، اما بازخورد آنها در چگونگی پذیرش کارکنان و خانواده‌ها و بازتاب‌های دیگر، نشان‌دهنده ناکارایی نسبی برخی پیشنهادهای ارائه شده است. دیدگاه این مطالعات از علل ناکامی برخی اقدام‌های انجام شده به قرار زیر است:

الف - رویکرد اقتصادی:

بسیاری از صاحب نظران و مدیران مسئول برآنند که با تأمین منابع مالی و اجرای پروژه‌های پر هزینه اجتماعی می‌توان رفاه واقعی و مورد نیاز افراد شاغل در قطب صنعتی را فراهم ساخت. در حالی که راههای معطوف به «قفس طلایی» در دراز مدت پاسخگوی نیازهای عاطفی انسان‌ها نیست. نمونه این شیوه اندیشیدن را می‌توان در طراحی و ساخت شهرک‌های سازمانی

^۱ . طرح ساماندهی توسعه متوازن و همزیستاری اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در منطقه عسلویه، مشاور طرح موسسه فرهنگی پژوهشی مهندسی

با انواع امکانات رفاهی و فراغتی یافت. بنا به گفته کارشناسان و دست اندرکاران، این مجموعه‌های سکونتی با استقبال چندانی روبرو نشده‌اند.

ب- رویکرد فرهنگی:

تجربه جامعه‌هایی که برای همسانسازی فرهنگی افراد کوشش کرده‌اند نشان می‌دهد که چنین رویکردی نه تنها در اهداف و روند انجام کار موفق نمی‌شود، بلکه از پس آن گرایشهای فرهنگی پیش بینی نشده‌ای سر بر می‌آورد که چون دست اندرکاران با نحوه تعامل با چنین پدیده

هایی آشنا نبوده‌اند، منجر به تعارض اجتماعی و گاه به بروز ناآرامی انجامیده است. نمونه چنین رویکردی را می‌توان در سیاستهای فرهنگی - اجتماعی شوروی و یوگسلاوی پیشین جست که منجر به پیدایی جامعه‌ها و گرایشهای فرهنگی - ملی - مذهبی مختلف (البته با پیش زمینه‌های موجود قبل از زمان آغاز سیاستهای همسانسازی) شد. شرایط و مقتضیات فرهنگی - سیاسی جامعه ایران پس از انقلاب و اتخاذ برخی سیاستهای تندروانه و یکسونگر را می‌توان به چنین نگرش‌هایی نسبت داد. تأثیر این رویکرد فرهنگی کلان در عدم استقبال از

● ● ●
**در اینگونه شهرکها، به علت
دوگانگی فرهنگی پدید آمده
پس از انقلاب بین فرهنگ
رسمی حاکم و فرهنگ
غیررسمی خانواده‌ها، تعامل
بین خانوارهای شهرک
سازمانی کم است.**

شهرک‌های سازمانی و ناموفق بودن آنها را نباید رویکرد همسان سازی فرهنگی در شهرکهای کوچک و بسته سازمانی راه‌های گریز و مقابله را برای سایر سلیقه‌ها به ویژه در نسل جدید مانند شهرهای بزرگ ندارد.

در اینگونه شهرکها، به علت دوگانگی فرهنگی پدید آمده پس از انقلاب بین فرهنگ رسمی حاکم و فرهنگ غیررسمی خانواده‌ها، تعامل بین خانوارهای شهرک سازمانی کم است. امکانات رفاهی و فراغتی فراهم شده. از تنوع کافی برخوردار نیست و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای طیف متنوعی از افراد نسلهای مختلف و گرایشهای فرهنگی - اجتماعی متفاوت و گاه متضاد باشد.

پ - نگرش جداسازی

معمولا طراحان و مجریان پروژه‌های بزرگ عمرانی و شهرسازی، جزء مدیران ارشد و متخصصان رده بالایی جامعه محسوب می‌شوند و با تحت تاثیر این رده‌های شغلی قرار می‌گیرند اینان در طراحی شهرک‌های سازمانی و حتی شهرهای جدید نه تنها فاصله‌های عمودی (سلسله مراتب شغلی) محیط کار را در محیط مسکونی حفظ و بلکه تشدید هم می‌کنند. در حالی که در شهرهای طبیعی افراد خانواده‌ها مراکز گذران اوقات فراغت خود را (البته باز هم بر اساس توان اقتصادی، سلیقه و...) انتخاب می‌کنند.

بدیهی است در چنین وضعی در شهرک‌های سازمانی افراد خانوارهای متعلق به رده‌های پایین شغلی، احساس تحقیر و تبغیض می‌کنند و بازتاب آن در محیط‌های مشترک تحصیلی فرزندان کارکنان و... آشکار می‌شود. نکته جالب توجه اینجاست که بر اساس پژوهش‌های انجام شده خانوارهای فرودست کمتر میل به گریز از اینگونه شهرک‌ها را دارند (شاید چون چاره‌ای ندارند)، اما کارکنان و خانوارهای متعلق به رده‌های بالایی تحت تاثیر فضای سنگین روانی شهرک‌های سازمانی ماندن در قفس طلایی محصور در دیوارهای نامرئی را تاب نمی‌آورند. شهر طبیعی با امکان جابه جایی‌های عمودی و افقی بین ساکنان، خالق گونه‌ای فرهنگ و هویت شهری است که آن را از شهرک‌های سازمانی متمایز می‌کند.

عمده‌ترین مشکلات شهرک‌های سازمانی به قرار زیر است:

- به علت یک شکلی سازه‌ها و نبود تنوع در بافت فیزیکی شهر، زندگی در این شهرک‌ها بسیار خسته کننده و ملال آور است.
- روابط انسانی و اجتماعی در شهرک‌های سازمانی تابع روابط و ساختار سلسله مراتبی سازمانی است.
- گروهها و قشرهای اجتماعی در شهرک‌های سازمانی، گروههای شغلی و تصنعی هستند.
- کنترل‌های اجتماعی در شهرک‌های سازمانی بسیار بیشتر از سایر شهرهاست.
- شهرک‌های سازمانی فاقد نیروی زندگی درونزا هستند

ت - نگرش مدیریتی

نگرش مدیریتی حاکم بر اکثر سازمان‌های بزرگ صنعتی کشور، با نگرش‌های نوین و علمی مدیریت بر اینگونه سازمان‌ها (یعنی مدیریت با نگرش و رویکرد سیستمی، جامع و مبتکر و نه رویکردی سلیقه‌ای، سنتی و روزمره) فاصله دارد. بررسی این موضوع خارج از موضوع این پروژه است، اما این نگرش کمابیش در نظام مدیریت صنعت پتروشیمی منطقه ماهشهر نیز وجود دارد. با این تفاوت که مدیران سطوح بالا در صنعت پتروشیمی پس از بروز آثار نارضایتی‌ها و از جمله تقاضای فزاینده انتقال از ماهشهر در صدد بررسی علل آن برآمده‌اند و با انجام طرح‌های پژوهشی و تحقیقاتی در جهت اصلاح کمبودها و نواقص برآمده‌اند. بررسی چند طرح پژوهشی انجام شده در سال‌های اخیر نشان داده است که بی‌توجهی به ابعاد کیفی شغلی و نیازهای غیر مادی کارکنان، در واقع ناشی از محدودیت نگرش مدیریتی نوین است. نگرشی که ابعاد پیچیده، کیفی و متنوع نیازهای کارکنان را نمی‌شناسد^۱

^۱. همان منبع.